

## شکست کارزار سازماندهی کارگران در آلاباما

# چرا سندیکاهای آمریکایی در برابر آمازون شکست خوردند

نویسنده: MAXIME ROBIN

روزنامه نگار و فرستاده ویژه لوموند دیپلماتیک

برگردان: شهباز نخعی

ستاره های هالیوود، روزنامه نگاران، رهبران سیاسی... همه خواهان ایجاد بخش سندیکایی در انبار آمازون در شهر بسمر آلاباما بودند. همه... بجز کارگران این انبار که اکثریت بزرگی از آنها علیه این کار رأی دادند. آیا فشارهای وارده توسط آمازون، درطول کارزار، برای توضیح این نتیجه کفایت می کند؟

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۲۱

«داوید علیه گولیات». این گفته ورد زبان هوادارانی بود که در ماه مارس گذشته، همه پرس‌ی ایجاد یک سندیکا در BHM1، انبار وسیع آمازون در شهر بسمر آلاباما را سازماندهی کرده بودند. این حرف بی‌ربطی نبود. کارگران انباردار که اکثریت شان آمریکائی افریقائی تبار بودند، یکی از قدرتمندترین موسسات جهان را به چالش می‌کشیدند که متعلق به ثروتمندترین فرد کره زمین – آقای جف بزوس – در یکی از محافظه‌کارترین ایالت‌های آمریکا بود.

اما با آن که در انجیل، داوید کوچک سرانجام گولیات غول را مغلوب می‌کند، در آمازون گولیات داوید را شکست داد. از ۵۸۰۵ تنی که در این منطقه ۸ هکتاری کار می‌کردند، تنها ۷۳۸ تن به «آری» رأی دادند و ۱۹۹۸ تن به سندیکا «نه» گفتند. آقای استوارت اپلبام، مدیر خرده‌فروشی سندیکای «کلی فروشی فروشگاه بزرگ متحد» (Wholesale Department Store Union RWDSU) به سرعت به این نتیجه اعتراض و آمازون را متهم کرد که در روند رأی‌گیری مداخله کرده است. پس از شکست اقدامی قبلی در سال ۲۰۱۴ در ایالت دلاویر، این غول فروش آنلاین به این ترتیب نفوذناپذیر بودن دژ خود برای نفوذ سازمان‌های سندیکایی را تأیید کرد.

در ایالات متحده استقرار سندیکا در یک موسسه به یک راه متقاطع شباهت دارد. به درخواست یک تن از کارکنان، که در اینجا انبارداری بود که در ماه به سندیکای RWDSU تلفن کرده و خواستار ایجاد سندیکا در انبار آمازون شده بود، این سازمان سندیکایی در مرحله نخست می‌باید به بنگاه فدرال حقوق کار «شورای روابط ملی کار» (NLRB) ثابت می‌کرد که ۳۰ درصد از کارکنان این انبار خواهان ایجاد یک سندیکا هستند. پس از انجام این مرحله و در پی کارزاری تند و سخت، انجام یک همه‌پرسی سازماندهی شد. نبرد کارخانه به کارخانه، فروشگاه بزرگ به فروشگاه بزرگ و فست‌فود به فست‌فود ادامه یافت: اگر «آری» در بسمر

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۲۱

برنده می شد، این امر وضعیت در بقیه انبارهای آمازون را تغییر می داد. برای حقوق بگیران اقدام به این کار نبردی طولانی و سخت بود و در صورت شکست، انتقامجویی علیه کسانی که دست به دامن سندیکا شده بودند را برمی انگیزخت که غالباً منجر به اخراج می شد. تعجب چندانی ندارد که در این شرایط، تنها ۳.۶ درصد از حقوق بگیران عضو سندیکا باشند.

در ۲۰ سال گذشته، آمازون در سراسر آمریکا ۱۱۰ انبار در قد و قواره BHM1 ساخته و قرار است که ۳۳ انبار دیگر نیز ساخته شود (۱). آمازون نزدیک به یک میلیون تن را در استخدام دارد که نزدیک به یک صدوپنجاهم کل نیروی کار است، دومین کارفرمای خصوصی در سطح ملی است (و طی دو سال آینده فروشگاه های بزرگ وال مارت را پشت سر می گذارد). بحران شیوع کووید-۱۹ با گسترش فراوان خریدهای آنلاین، هم بیشتر به دامنه فعالیت های آمازون افزوده، تا حدی که اندازه گیری آهنگی که امروز استخدام می کند را دشوار کرده است. استخدام ها از آن رو ساده تر شده که شیوع جهانی ویروس میلیون ها تن را بیکار کرده است. وضعیتی بی سابقه که به گفته تاریخ دان ها، تنها می توان در سال های آغاز دهه ۱۹۴۰ مشابه آن را سراغ کرد که صنایع برای پشتیبانی از کوشش های جنگی دست به استخدام انبوه زده بودند (۲).

## تغییر وضعیت در خاک ایالات متحده

روزنامه نگاری به نام آلک مک گیلیس، برای تشریح اهمیتی که آمازون پیدا کرده از «اثر آمازون» سخن می گوید که با یک ترتیب سلسله مراتبی خاک آمریکا را به ۳ سطح تقسیم کرده است: در سطح بالایی «شهرهایی که مقر ستادهای آمازون هستند که در آنها حقوق هایی بالا پرداخت می شود و کارکنان آن تحصیلکرده های دانشگاهی هستند». نمونه این شهرها سیاتل، واشنگتن و بوستون است. پس از آن شهرهایی است که «انبارها» در آنها هستند که انباردارها و کارگرانی کار می کنند که حقوق بسیار کمتری دریافت می کنند». و سرانجام بقیه نقاط کشور، که بازرگانی محلی با رشد خریدهای آنلاین دچار رکود شده، بدون آن که، جز کار تحویل کالا، هیچ شغل جدیدی ایجاد شده باشد.

بسمر در سطح دوم یعنی شهرهای محل «انبارها» است. نمادی از مراکز کوچک صنعتی در حال زوال، که بافت اجتماعی آن پس از بسته شدن کارخانه پولمن در سال های دهه ۱۹۹۰ شکننده شده است. محل این کارخانه که واگن های مخصوص حمل بار می ساخت، مشابه محل هایی است که آمازون برای انبارهای غول آسا و مراکز تدارکاتی خود انتخاب می کند. مانند اسپاروز در حومه بالتیمور یا کینگ آف پروسیا، نزدیک فیلادلفی. شهرهای بحران زده برای به سوی خود کشیدن این موسسه چند ملیتی، که دستکم می توان گفت ایجاد مسابقه امتیازات مالی را ترغیب می کند، به هر شرایطی تن می دهند. تارنمای اینترنتی اتاق بازرگانی بسمر که مسئولان آن به درخواست ما برای گفتگو پاسخ ندادند، لاف می زند که: «بسمر اعتبارات مالیاتی قابل رقابت، اجاره بهای ارزان، نیروی کار با تجربه و هزینه زندگی پائین عرضه می کند». در طول برگزاری کارزار سندیکایی، کنت گولی شهردار دموکرات شهر، که از سال ۲۰۱۰ در این سمت است، از موضع گیری خودداری کرد. در فوریه گذشته، هنگام «سخنرانی درباره وضعیت شهر»، او از آمدن آمازون تمجید و تأکید کرد که: «فضای مساعد کسب و کار» در بسمر حاکم است، بدون آن که کلمه ای در مورد درگیری سندیکایی بگوید.

این درست است که سندیکاها نزد منتخبان «جنوب» اعتبار خوبی ندارند. آلاباما یکی از ۲۷ عضو باشگاه «ایالت های مدافع حقوق کار» (*right-to-work states*) است که در آنها قانون به حقوق بگیران اجازه می دهد حق عضویت به سندیکاها نپردازند و از این راه وضع مالی سازمان های کارگری تضعیف می شود. قانون و مقررات مالیاتی خیلی مساعد برای موسسات، موجب ترغیب گروه های بزرگ صنایع اتومبیل، به ویژه آلمانی و ژاپنی و نیز صنایع جانبی خرده پیمانکار وابسته به آنها به استقرار در این ایالت شده و به این ترتیب است که آلاباما توانسته تنها کارخانه مرسدس غیرسندیکایی جهان را در خود جا دهد.

در این زمینه، کارزار به راه افتاده در بسمرتعجب برانگیز بود: BHM1 انبار نویی است که در ماه مارس ۲۰۲۰ آغاز به کار کرده و در آن ۶ هزار تن با حقوق ساعتی ۳۰.۱۵ دلار کار می کنند که دوبرابر دستمزد حداقل در آلاباما است. این دستمزد از پرداختی کارخانه های خودروسازی کمی کمتر ولی از وال مارت (۱۱ دلار در ساعت) یا یک فست فود (که معمولا حداقل دستمزد را می پردازد) بیشتر است. علاوه براین، آموزون به کارگران خود از روز اول کار پوشش بیمه خدمات درمانی می دهد و این امری رایج در بخش خصوصی ایالات متحده نیست.

هنگامی که ما در پایان ماه مارس به جلوی مقر سندیکای RWDSU در بیرمنگام، شهر اصلی آلاباما رسیدیم، چهره ها درهم کشیده بود و آشکارا نشانه های خستگی یک مبارزه چندین ماهه در آنها دیده می شد. سازمان دهندگان پذیرای یک کمیته حامی مهم بودند. دانی گلاور بازیگر یک کلاه «عقاب های نیوآرک» را بر سر داشت که وابسته به «لیگ ملی سیاه»، لیگ بیس بال خاص سیاه پوستان در دوران جدایی نژادی بود. او که آمده بود تا به گروه های سندیکایی روحیه بدهد، روی پشت سازمان دهندگان می زد و داستان زندگی

خود را تعریف می کرد. در برابر او، در تالار گردهمایی که به رنگ RWSDU ( و علامت آن دست سیاهی است که دست سفیدی را می فشارد) کارگرانی دیده می شدند که در رسانه ها به عنوان نماد جنبش معرفی شده اند. از جمله آنها، خانم جنیفر بیتز است که به دعوت آقای برنی سندرز در مورد شرایط کاری خود در برابر مجلس سنا شهادت داده است. از لای در نیمه باز تالار هم آقای داریل ریچاردسون، کارگری که در ماه اوت تلفن درخواست سندیکایی شدن را زده دیده می شد.

بیش از یک ساعت از گفتگو به تناوب صرف شوخی و پرداختن به موضوع های جدی تر به ویژه هنگامی می شود که گلاور حکایت می کند که اجدادش که در لوییزیول، ایالت همسایه جورجیا به دنیا آمده بودند، و پدر بزرگ و مادر بزرگش که کارگر مزرعه بودند، برای یک مالک سفیدپوست پنبه چینی می کردند. مادر بزرگ این بازیگر از حدود متعارف فراتر رفت و فرزندان خود را به جای کار در مزارع به مدرسه فرستاد. مادرش هم جورجیا را به قصد سن فرانسیسکو ترک کرد و در آنجا به خدمت اداره پست درآمد. او فضای مخالفت آمیزی که بر خانه حاکم بود را به یاد می آورد. در نوجوانی در روزنامه ها داستان های هواداران سیاه «جنوب» را می خواند که «از حقوق خود دفاع می کردند» و به صندلی های رستوران هایی که خاص سفیدپوستان بود می چسبیدند. او می گوید: «آنها قهرمانان من هستند».

در بازگشت، خانم بیتز زمان بندی غیرقابل تحمل جاری در آمازون و میل شتابنده غیرممکن به کسب رضایت کارفرما را حکایت می کند که با توجه به گستردگی انبار، ساعت های اضافه کاری اعلام شده در آخرین دقایق - که نگهداری از کودکان را پیچیده می کند- و جان به لب رسیدن خودش از دیدن الزام قاطع به انجام کارهایی که زمان آنها با کرونومتر اندازه گرفته و با دقت ریاضی طراحی شده را باز می گوید: «من هرگز نمی توانم درک کنم که شخصی با داشتن عقل سلیم بتواند چنین نظامی را سازماندهی کند و

انتظار داشته باشد که افراد زندگی شکوفایی داشته باشند. آیا با روزهای کاری ۱۰، ۱۱ یا ۱۲ ساعته وقتی برای پرداختن به خانواده باقی می ماند؟ نگرانی برای کودکانی که در بیرون از خانه پرسه می زنند وجود دارد، آیا این نظام برای آن ساخته شده که پدر و مادر برای مراقبت از آنها در خانه باشند؟ خانم بیتزدر پاسخ پرسش آقای گلاور تصریح می کند که فرزندان خودش بزرگ شده اند و او مادر بزرگ ۷ نوه است. این گفته مایه تعجب و خنده های تمجیدآمیز می شود: «اگر اکنون به مشکلات رسیدگی نشود، می دانیم که بعد چه پیش می آید».

## بین احساس همبستگی و رقابت زمان بندی شده

این احساس به هیچ وجه تصادفی نیست. آمازون به رغم هیبت غول آسای خود همچنان مانند روزهای اول خود را یک «جوان در حال رشد» و موسسه نوبنیا «روز نخست» می بیند. آقای بزوس (که مالک نشریه واشنگتن پست هم هست) در سال ۲۰۱۶ در نامه ای خطاب به سهامداران نوشت: «گذار به روز دوم به معنای ایستایی است. در پی آن بیهودگی می آید و سپس کندی، درد و شکست است. ما همواره مانند روز نخست باقی خواهیم ماند». برای حفظ این فضای تب آلود، موسسه ناگزیر است بی وقفه بر میزان بازده افزوده و از هزینه کار بکاهد. از آنجا است که یک ضد قدرت به مثابه یک تهدید موجودیتی ظهور می کند.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۲۱

آقای پری کانلی، حدود ۵۰ ساله و ورزشکار پس از آن که کار خود به عنوان مأمور امنیتی در فرودگاه را به خاطر ویروس کورونا ازدست داد، به BHM1 آمده است. حقوقی که امروز دریافت می کند «معادل مالیاتی است که در شغل پیشین خود می پرداخت» و می توان گفت که آمدنش به انبار آمازون یک پسرفت آشکار بوده است. این بسته بند (انباردار) مسئول ثبت اجناس و گذاشتن آنها روی قفسه هایی است که «بارکد» دارند، می گوید: «وقت نهار یک مسابقه است: رفتن به دستشویی، محل استراحت، گرفتن غذا و استراحت، برای من تنها ۱۲ دقیقه برای غذا خوردن باقی می ماند».

نخستین بار است که او کاری به این صورت زمان بندی شده دارد: «من خود را به رایانه معرفی و شماره های رمز را وارد می کنم. رایانه زمان از دست رفته بین دو ثبت را مشخص می کند. این زمان «صرف نشده برای کار» (Time off task) یا TOT است که همه کارکنان از آن سخن می گویند: «به طور کلی، این زمانی است که از نظر دستگاه تو هیچ کاری انجام نمی دهی. آنها می خواهند که TOT هرچه ممکن است کمتر باشد، اما این امر الزاما بستگی به کالایی که در دست داری دارد. یک کدبار نادرست یا یک بن تخفیف باعث ایجاد دردسر می شود». آقای کانلی با توضیح دادن فضای هذیان آلود حاکم بر انبار خنده ای عصبی می کند که بین احساس همبستگی و رقابتی زمان بندی شده نوسان دارد: «آنها همواره ایجاد رقابت می کنند، به کسی که کار بیشتری انجام داده ۱۵ دقیقه زمان استراحت بیشتر یا یک تی شرت می دهند». پیش از همه پرسه درمورد سندیکا، آمازون یک پاداش برای استعفا دادن پیشنهاد کرد تا کارمندان ناراضی در همه پرسه شرکت نکنند. یکی از کارگران می گوید: «از آغاز کارزار آنها ۲۵۰ تن را اخراج کرده اند».

در این ناحیه محافظه کار، که در سال های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ بیش از ۴۰ درصد از رأی دهندگان آفریقایی-آمریکایی به آقای دونالد ترامپ رأی داده اند (۴)، هواداران سندیکایی نیز دستکم موفق شده اند کار خود را



در تداوم مبارزات مدنی کشیش مارتین لوتر کینگ و جنبش «زندگی سیاهان مهم است» عنوان نموده و ریاکاری آمازون در این مورد را برملا کنند. آقای ریچاردسون در مجله نیویورک می نویسد: «آنها برای زندگی سیاهان ارزشی قایل نیستند. وانمود می کنند که به ویژه در مورد مارتین لوتر کینگ دغدغه دارند. عکس ها و جزوه هایی از او در راهروها وجود دارد. همه اینها تظاهر است، زیرا سیاهان در کارگاه اکثریت دارند (۵)». استفاده از گفته های مارتین لوتر کینگ در همه جای منطقه دیده می شود. او در ۳۰ اکتبر ۱۹۶۷ در بسمر به اتهام سازماندهی بدون مجوز یک راهپیمایی برای برابری نژادی، زندانی شد. موضوع به دادگاه عالی کشیده شد و این دادگاه از پذیرش درخواست تجدیدنظر او خودداری کرد و او محکوم به ۵ روز زندان و پرداخت ۵۰ دلار جریمه شد. در روز کشته شدنش در ۴ آوریل ۱۹۶۸، (سلاحی که با آن کشته شد از بیرمنگام خریداری شده بود)، کینگ برای حمایت از اعتصاب رفتگران سیاه پوست به آنجا آمده بود. این رفتگران خواهان دریافت حقوق بیشتر و رفتاری بهتر بودند (۶).

دموکرات های رده بالا، (منتخبان کنگره، رهبران متنفذ مذهبی...) که پیش از همه پرسای آمازون به بسمر آمدند، همه از راهبرد سندیکا حمایت کردند و از شهر به عنوان یک «Selmaی جدید» (۷) نام بردند. حمایت دیگری نیز از سوی خواننده رپ، کیلر مایک بود که آقای بزوس را با ارباب های مزارع مناطق گرمسیر، و شرایط کار در انبارها (گرما و سرعت کار) را با مزارع پنبه مقایسه کرده بود.

این گفتمان های آتشین نتوانست همه کارگران (۸۵ درصد سیاه پوست، بنابر برآوردهای سندیکا) را متقاعد کند و برمبنای تجربه کارزار شکست خورده بسمر در انسان احساس سرایی بزرگ ایجاد می کند. ناظری که تنها منبع اطلاعاتش شبکه های مجازی، رسانه ها و ویدیوهای آنلاین بود، شرط می بست که «آری» برنده می شود زیرا هواداران آن پرشمار بودند و به چشم می آمدند. سندیکاهایی نیرومند مانند «لیگ

حرفه ای فوتبال آمریکایی» (NFL) یا سندیکای سناریونویس های هالیوود و نیز هنرمندان و دانشگاهیان از این اقدام حمایت کرده بودند. حتی جوزف بایدن، رئیس جمهوری هم دو هفته پیش از رأی گیری از آن حمایت کرد و این امر از جانب مستأجر کاخ سفید از زمان فرانکلین روزولت بی سابقه بود.

## انتقامجویی و اخراج های ناروا

پوشش گاه رماتیک و ایده آلیستی درگیری ها، گاه در افکار عمومی توهم پیروزی «آری» را به وجود آورده و درک واقعیت میدانی را مشکل تر کرد. شیوع جهانی ویروس، حضور رسانه ها و تحرکات سندیکا در برابر انبار آمازون، فضا و نقشه محل – یک انبار بسیار وسیع و بدون پنجره واقع در محیطی صنعتی، پارکینگ حفاظت شده توسط یک خودرو پلیس و چندین نگهبان، سندیکایی هایی که در نزدیک ترین چهارراه نوشته هایی را که در دست داشتند تکان می دادند- جز چند ده نفر کارگری که آشکارا توسط سندیکا به کار گرفته شده بودند، یا کارگران کاملا راضی و خوشحالی که در بیانیه های موسسه از آنها یاد می شد، درک نظر کارگران را اگر نه غیرممکن، دستکم دشوار می کرد.

روشن است که آمازون از امکانات نامحدود و فناوری برتر خود برای اعمال نفوذ در میان کارگران استفاده کرد. در پس درهای انبار، مدیریت «جلسات اطلاع رسانی» جمعی و الزامی درمورد عواقب وجود سندیکا در انبار برگزار می کرد و تلفن های کارکنان پر از متن هایی بود که سندیکا را به عنوان اشغالگر معرفی می کرد

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۲۱

. روی صفحه تلفن همراه یکی از کارکنان می شد خواند: «اجازه ندهید بیگانگان در میان یک گروه برنده تفرقه ایجاد کنند! ما فکر می کنیم که شما برای ابراز نظر خود نباید به یک واسطه پول پردازید یا برای دریافت آنچه اکنون به رایگان دارید حق عضویت بدهید».

همچنین، از ۲۵ ژانویه، آمازون مشاوران متخصصی (با هزینه روزانه چند هزار دلاری) مشهور به «شکارچیان سندیکا» (۸) را استخدام کرده بود. شایعات هراس انگیزی نیز رواج یافته بود که در صورت «خیانت» کارکنان، آمازون ممکن است مانند وال مارت – که در سال ۲۰۰۹ فعالیت خود در ژونکیر کانادا را در پی ایجاد یک سندیکا متوقف کرد- انبار را تعطیل کند.

با توجه به منافعی که در میان بود، موسسه چند ملیتی تردیدی در مورد تجاوز به حقوق کار برای درهم شکستن کارزار به خود راه نداد و به هر حال «شورای روابط ملی کار» (NLRB) هم قدرتی برای مجازات مالی و جریمه کردن نداشت. شهادت های کارکنان سابق که کوشیده بودند در انبارهای خود در دلاویر و ویرجینیا سندیکا ایجاد کنند، حاکی از رفتار خشن، تهدید و انتقامجویی از سوی کارفرما بود. نمونه ای از این امر رفتار با کارگری است که در مرخصی استعلاجی برای عمل جراحی زانو به سر می برد. در چستر ویرجینیا مجازات تعیین شده توسط مقامات، پس از انجام تحقیق، آمازون را وادار به این کرد که در سالن گردهمایی ها، روی یک برگ کاغذ A4 فهرست کارهایی که متعهد است انجام ندهد را به دیوار بزند: «ما شما را تهدید به اخراج نخواهیم کرد؛ در مورد فعالیت های سندیکایی تان پرس و جو نمی کنیم و تهدید به انتقامجویی نمی کنیم». هدف این تعهد اطمینان بخشیدن به کارکنان بود، اما با تأکید بر خطرهایی که در انتظار کارگران مخالف بود، می توانست اثر معکوس نیز داشته باشد (۹).

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۲۱

یک روزنامه نگار آمریکایی که از این که نتوانسته بود با کارکنان انبار بسمر گفتگو کند ناراحت بود، با به جان خریدن خطر تخطی از قانون، به پارکینگ مقابل انبار رفت تا بلندگو به دست با هر کس سر راهش بود گفتگو کند. پیراهن گلدار رنگ وارنگش با آسفالت پارکینگ تقابل داشت. مایک الک، ۳۵ ساله پنجمین بار بود که کارزارهای سندیکا در «جنوب» را پوشش می داد (و در هر ۵ بار سندیکا شکست خورده بود). خود او نیز از رسانه پولیتیکو به خاطر آن که کوشیده بود در آن سندیکا ایجاد کند اخراج شده و غرامت دریافتی بابت اخراج خود را صرف ایجاد رسانه ای بنام «پی دی ریپورت» (Payday Report) (گزارش روز پرداخت دستمزد) کرده بود که هدفش «دادن پوشش به اخبار اجتماعی در برهوت رسانه ای» بود. او که در آغاز خوشبین بود و از مقر خود در پیتسبورگ موضوع را دنبال می کرد، وقتی به محل آمد نظرش تغییر یافت و در جریان دیداری با آقای سندرز در برابر محل سندیکا در بیرمنگام، در ۲۶ مارس متوجه شد که تعداد روزنامه نگارانی که به محل آمده بودند از تعداد کارگران بیشتر بود.

او پیش از آن که توسط یک مأمور امنیتی از محوطه اخراج شود، توانست با ۴ کارگر گفتگو کند. هر ۴ تن سیاه پوست بودند و قصد داشتند رأی «نه» بدهند. اشلی ۳۲ ساله به او گفت: «من بیشتر تمایل به دادن رای نه دارم زیرا چیز زیادی درباره سندیکا نمی دانم، من هرگز با آنها سروکار نداشته ام». یک کارگر ۱۹ ساله نیز سندیکا را با «دزدی» مقایسه کرد که می خواهد بخشی از دستمزد به زحمت به دست آمده او را برآید. این استدلال معمول و رایجی بود که آمازون در طول «نشست های اطلاعاتی» جمعی خود تکرار می کرد و حتی یک تارنمای اینترنتی با عنوان «نیازی به باج دادن نیست» ایجاد کرده بود. کارگر سوم، که سن بیشتری داشت، توضیح داده بود که قبلا شاهد فعالیت سندیکای RWSDU در شغل پیشین خود بوده ولی این کار وضع او را بهتر نکرده است. کارگر چهارم درباره هزینه ساخت سنجاق سینه هایی که موسسه برای تبلیغ «نه» ساخته بود صحبت می کرد: «مدیران آنها را در موسسه توزیع می کنند و هر کس یکی را به سینه دارد». متن هایی که مطالبی درباره سندیکا داشت «خوب» توصیف می شد و تهدیدآمیز نبود: «آنها تنها به

ما توضیح می دهند که سندیکا به چه درد می خورد». پخش این گفتگوها موجب شد که در شبکه های اجتماعی به الک توهین شود؛ او متهم به مزدوری برای کارفرما شد و پاسخ داد که «درک روانشناختی "مخالف" و احساس کارگران انبار» ضروری بوده و او برای کسی «جز حقیقت» مزدوری نکرده است.

## افکار عمومی خیلی موافق با «آری»

دانستن این که راهبرد مبنی بر ربط دادن کارزار سندیکا با مبارزه برای حقوق مدنی چه اثری بر نتیجه رأی گیری داشته غیرممکن است. درمورد کارگرانی که الک با آنها گفتگو کرد، به نظر نمی آید که آنها از ته دل با سندیکا مخالف بوده باشند. آنها به سادگی فقط نمی دانستند که سندیکا به چه درد می خورد. تحلیل این روزنامه نگار این است که: «همه چیز را به گردن آمازون انداختن آسان است، اما سندیکاها هم اشتباهاتی داشتند». به نظر او، یک انتخابات پیروز، باید شبیه یک امر تشریفاتی بوده و از پیش برده شده باشد. به نوعی، پس از آن که سندیکا مبارزه کرد، عده زیادی از کارگران را متقاعد نمود که دیگر نباید از بیان باورهایشان در برابر کارگر همجوار خود هراس داشته باشند.

درمورد BHM1، سندیکای RWSDU روشی متفاوت به کار برد که در زبان خاص سندیکایی آمریکایی به آن «خرید داغ» (hot shopping) گفته می شود. در این روش، به محض گشایش یک کارخانه با بهره گیری از نارضایتی کارگران درمورد شرایط ناگوار بهداشتی در انبار، باید آنها را برانگیخت، مانند مورد

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۲۱

بسمر، هدف این است که اثری غافلگیرانه ایجاد شود بدون تدارک از پیش. این کار می تواند موجب غفلت از انجام کار طولانی مدت و عمیق در میان کارگران شود. به این ترتیب، به ندرت از رهبران مذهبی محلی در طول این کارزار درخواست کمک شد، در صورتی که، به عکس، تعداد زیادی از هواداران مجازی و بلندپایگان حزب دموکرات برای کمک به آن آمدند.

مشکل دیگر، میزان بالای چرخش کارکنان و فقدان وقت برای ایجاد ارتباط در انبار بود که (درعین حال ناشی از شرایط کار و شیوع کووید-۱۹ بود که هرگونه فعالیت جانبی مانند برگزاری یک باربکیوی سندیکایی را غیرممکن می کرد) و نبود چشم انداز به تداوم کار در انبار بود. چه کسی می دانست که سال دیگر نیز در اینجا کار خواهد کرد؟ چرا باید شغل خود را در کاری که چشم انداز میان مدت ندارد به خطر انداخت؟ کارگران BHM1 که مردد بودند، شاید از این بیم داشتند که با ازدست دادن (شغل، دستمزد، بیمه درمانی عرضه شده توسط آمازون...) چیز بیشتری از آنچه که می توانند به دست آورند (که درست هم نمی دانستند دقیقاً چیست) از دست بدهند.

هرچه که باشد، موضوع همه پرسى بسمر موقعیتی برای کشور شد تا به بررسی وضعیت حقوق کار پردازد. نظرسنجی های بسیاری نشان می داد که افکار عمومی با «آری» خیلی موافق بود و تحریریه های رسانه ها نیز در نوسان بودند. یک روزنامه نگار لیبرال حتی در متنی که شکل انتقاد از خود داشت نوشت: «البته این درست است که افول سندیکا یکی از دلایل این است که ثروتمندان ثروتمندتر و فقیران فقیرتر می شوند. من نیز مانند بسیاری از دموکرات های هم نسل خود به این امر توجه نکردم. سندیکاها فقط موجب افزایش دستمزد کارگران عضو خود نمی شوند، کارگران کارخانه های غیرسندیکایی نیز از کار آنها بهره می برند. نبود سندیکا در این کشور موجب می شود که موسسات برای افزایش دستمزد با هیچ فشاری روبرو نشوند

(۱۰)». نتیجه رأی گیری در بسمر، که در تارنمای نیویورک تایمز بازتاب یافت، اثر یک انتخابات سیاسی در سطح ملی را داشت که هرگز در مورد رأی گیری در یک موسسه دیده نشده بود.

ما از آقای مایک کانلی، انباردار بسمر پرسیدیم که در صورت پیروزی «نه» چه پیش خواهد آمد و او پاسخ داد: «مدیریت انبار از هر بهانه‌ی برای اخراج من استفاده خواهد کرد. من برای این کار آمادگی دارم. این بهایی است که برای ایجاد تغییر باید پرداخت کرد. اگر "آری" برنده شود و من بتوانم نماینده سندیکا شوم، در شغل خود می مانم. اما اگر "نه" برنده شود مدت زیادی دوام نمی آورم».

در روزی که نتیجه اعلام شد، کارکنان یک مرکز در شیکاگو، به طور خودجوش دست به توقف کار زدند. در حدود ۵۰ شهر دیگر هم انجام کارهایی اعلام شد. آیا سرنوشت آنها تغییر یافت؟ برای توضیح شکست بسمر، هواداران سندیکا بی وقفه گناه را به گردن آمازون می اندازند و بر تهدید و ارباب‌های آن تأکید می کنند. در طول ماه مارس، مجلس نمایندگان آمریکا به قانونی با عنوان «قانون حفاظت از حق سازماندهی» (Protecting the Right Organize Act) رأی داد که هدف آن به درستی حذف فشارهای اعمال شده توسط کارفرما در طول کارزارهای سندیکایی، به ویژه با برگزاری «جلسات اطلاع رسانی» اجباری بود. این برنامه در مسیر درستی پیش می رفت اما امکان داشت که در مجلس سنا از بین برود، زیرا جمهوری خواهان از آن حمایت نمی کردند. به علاوه، این کار سندیکاها و رهبران دموکرات را از درس گرفتن از شکست در آلاباما معاف نمی کند و آنها را وامی دارد که در مورد راهبردشان از خود سؤال کنند. در غیر این صورت، حتی اگر کارزار دیگری در بسمر به وجود آید، خطر با شکست روبرو شدن آن وجود دارد.

برای خروج از این بن بست، برخی خواهان تحریم آمازون هستند. اما حتی هواداران این نظر هم بدون آن که بدانند در ثروتمندتر کردن این غول چند ملیتی شرکت می کنند. این کار خواه از راه خرید آنلاین از یکی از رقیب های آمازون مانند eBay – که آمازون کار تحویل بسته های آن را به عهده دارد-، یا با استفاده از نتفلیکس یا گوگل که «خدمات شبکه ای آمازون» نیروی بخش عمده ای از اینترنت و ذخیره های پایگاه های داده های آنها را تأمین می کند، انجام می شود. در ۶ ماه مارس، زمان برگزاری یک ویدیو کنفرانس سندیکایی، یکی از هواداران از این تعجب می کرد که آمازون مالک فروشگاه های زنجیره ای مواد غذایی «هول فودز» نیز هست. هوادار دیگری پرسید بدون دانستن این که حتی شرکت در این نشست نیز به نفع آمازون است، چگونه می توان آن را «تحریم» کرد، زیرا «زوم» که امکان نشست مجازی را فراهم کرده، از نظر ذخایر اطلاعاتی به آمازون وابسته است. در کشور رقابت آزاد...، موسسه آقای بزوس – که در موقعیت تقریباً انحصاری قرار دارد- تقریباً غیرقابل اجتناب شده است.

-۱

« [Map of Amazon warehouses](#) », CNBC, 19 janvier 2020.

-۲

Karen Weise, « [Pushed by pandemic, Amazon goes on a hiring spree without equal](#) », *The New York Times*, 27 novembre 2020.

-۳



Francesca Paris, « [“The gaps have grown” : Reporter Alec MacGillis talks Amazon, regional inequality and his hometown of Pittsfield](#) », *The Berkshire Eagle*, Pittsfield, 7 avril 2021.

-۴

Cf. « Presidential results », 2016 et 2020, [National Public Radio](#).

-۵

Cité dans Sarah Jones, « [“It’s not fair to get fired for going to the bathroom”. An Amazon worker in Alabama on the fight for a union](#) », *New York Magazine*, 16 mars 2021.

-۶

Lire Sylvie Laurent, « [Le dernier combat de Martin Luther King](#) », *Le Monde diplomatique*, avril 2018.

-۷

En référence aux marches organisées en 1965 entre Selma et Montgomery pour protester contre l'interdiction faite aux Noirs de voter dans le sud des États-Unis. Lire Adolf Reed Jr, « [“Selma” et la légende noire](#) », *Le Monde diplomatique*, mars 2015.

-۸

Lee Fang, « [Amazon hired Koch-backed anti-union consultant to fight Alabama warehouse organizing](#) », *The Intercept*, 10 février 2021.

-۹

David Streitfeld, « [How Amazon crushes unions](#) », *The New York Times*, 16 mars 2021.

-۱۰

Joe Nocera, « [Unions are back in favor. They need to seize the moment](#) », *Bloomberg Businessweek*, 21 mars 2021.